

شورش «بینوایان» در فرانسه چرا آغاز شد؟

# پوز خند به مفهوم دموکراسی در جمهوری پنجم

تحلیل محسن مطلق



آن زمان که ویکتور هوگو، نویسنده فرانسوی قرن نوزدهم در رمان «بینوایان» به تشریح بی‌عدالتی‌های اجتماعی و فقر و فلاکت مردم فرانسه و در آن به عوامل و محرک‌های اجتماعی می‌پردازد که منجر به سقوط جمهوری سوم تایلئون سوم شد. آنچه بینوایان روایت می‌کند، داستان انحصار توزیع قدرت و ثروت در دست خانواده فاسد سلطنتی است که از مشکلات حقیقی جامعه فرانسه کاملاً بی‌اطلاع بودند، و این موضوع سبب ایجاد معضلات اقتصادی و اجتماعی در جامعه فقیر فرانسه شد و با گسترش اعتراضات مردم به تحولات زیرساخت‌های اجتماعی جامعه فرانسه منجر شد. امروز دوباره در جمهوری پنجم فرانسه، حکایت بینوایان تکرار شده است. شورش علیه سرمایه‌داری آن هم پس از پنج دوره تجربه انواع مدل‌های دموکراسی امروز مهم‌ترین رخداد اروپای قرن بیست‌ویکم است اما چه چیزی معترضان فرانسوی موسوم به جلیقه‌زدها را به خیابان‌ها کشانده است؟ گران شدن ۲۵درصدی بنزین یا چیزی فراتر از آن؟

■ ■ ■

■ **شورش علیه دموکراسی در «مه‌دموکراسی»**

اعتراضات فرانسوی‌ها که جرقه ابتدایی آن مخالفت با افزایش قیمت سوخت بود، اکنون تبدیل به جنبشی فراگیر و سراسری ضد حکومت فرانسه شده است. این اعتراضات با تصمیم دولت مکرون مبنی بر تشدید مالیات‌ها و اصلاح برخی رویه‌های اقتصادی آغاز شد.

بسیاری از فرانسوی‌ها در شهر ک‌ها و روستاهای دور از شهرهای اصلی زندگی می‌کنند و مجبورند همه روزه با خودروی خود برای کار به شهر بیایند و انتهای روز به محل زندگی‌شان بازگردند. با وجود این مسئله، جان شدن مصرف سوخت تأثیر چشمگیری بر وضعیت زندگی شهروندان دارد و معترضان را مجاب به پیوستن به جنبشی تحت عنوان جلیقه‌زدها کرد اما این اعتراض را تنها می‌توان یک قوه تکوینی اروپایی به عنوان بت از لیبرالیسم دید.

تنها مصداقی از بروز خشم فراسوی است.

حقیقت آن است که مه‌دموکراسی جهان آبیستن شورش علیه ایدئولوژی سوار بر این دموکراسی شده که در عصر حاضر با اسم «لیبرالیسم» خود را نمایانده است. مهم‌ترین نشانه این موضوع که اعتراضات اخیر فرانسه، موضوعی بسیار فراتر از واکنش به یک تصمیم دولتی است، عدم توقف حرکت اعتراضی حتی پس از اعلام لغو طرح مذکور توسط دولت فرانسه است. دولت مکرون گرچه مقابل فشار عمومی و اجتماعی تصمیم به لغواین مالیات و حتی متعهد به وضع قوانینی حمایتی برای اقشار متوسط و پایین در فرانسه شد، اما مردم به این قانع نشده و شورش خود را ادامه داده‌اند. روپایی که فرانسوی‌های معترض در ذهن خود می‌پروراندند، تغییر در ساختار جمهوری فرانسه است و نه تغییر در تصمیمات مقطعی دولت.

در دیوار پاریس و شهرهای معترض فرانسه این روزها پر از شعارهایی از جنس مخالف با سرمایه‌داری است؛

شعارهایی که بی‌شباهت به همان شعارهای دوران انقلاب فرانسه نیست. یکی از این شعارها که در فضای رسانه‌ای بین‌المللی و بین خودفرانسوی‌ها بسیار استقبال شده، روی در خانه‌ای اشرافی در حومه پاریس بود که چنین نوشته شده بود: «پترسید ای ثروتمندان چرا که فقرا ی شما شورش را آغاز کرده‌اند.»

■ **دموکراسی باطعم خشونت دولت**

این دیوارنوشته به تنهایی گویای آن است که اعتراضات اخیر در فرانسه – و با همین نسبت در دیگر کشورهای اروپایی– را نمی‌توان مظاهر آزادی و دموکراتیک بودن این نظامات تلقی کرد که در تئوری‌های علوم سیاسی به منزلت نفس برای دموکراسی خوانده می‌شود، بلکه به عنوان نشانه‌ای دیگر، اگر تنها به نحوه برخورد خشونت‌بار حکومت با این اعتراضات نظر بکنیم، در خواهیم یافت که خودشان نیز مسئله را بسیار جدی‌تر از آن چیزی در

نظر گرفته‌اند که برخی تحلیلگران ما به عنوان «ماهیت اعتراضی، طبیعت دموکراسی» و نقطه لنگر و ثبات برای تلاوم حیات نظام‌های دموکراتیک بیان می‌کنند. اغلب افراد حاضر در تظاهرات اعتراضی این روزها، طبقات متوسط به پایین جامعه فرانسه هستند و در مناطق حومه‌ای شهرهای بزرگ یا حتی روستاها و شهرهای کوچک سکونت دارند. حتی بسیاری از آنها در انتخابات مختلف رای هم نداده‌اند و اساساً امیدبی به تغییر از فرایند صندوق‌های رأی نداشته‌اند و این روزها به امید تغییری فراتر از آن یا به خیابان گذاشته‌اند.

تصاویر خشونت فراوان مأموران پلیس در مقابل تظاهرکنندگان و مسالمت‌آمیز، در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شده و انتقادهای زیادی را در سراسر جهان برانگیخته است. با وجود همه این سرکوب‌ها، روزنامه لیبراسیون فرانسه در گزارشی می‌نویسد: «جنبش جلیقه‌زدها را می‌توان قیامی غیرمسلحانه خواند که از حمایت بیشتر از ۸۰درصد ملت فرانسه برخوردار است.»

■ **بنزین فرانسوی روی خاکستر اروپا**

دیگر نشانه‌ای که بیان می‌کند نقطه هدف اعتراضات، صرفاً مسئله بنزین و مالیات نیست؛ گسترش این اعتراضات در کشورهای دیگر است. همانطور که اعتراضات به نظام‌های دیکتاتوری توسط مردم در کشورهای عربی به صورت دومینووار از کشوری به کشور دیگر منتقل می‌شد،اعتراض به نظامات لیبرال اروپایی نیز همین شکل را گرفته است و این پدیده‌ای نوین در اروپای امروز است. در هر نقطه که اعتراضاتی آغاز می‌شود به زودی دیگر که به واسطه رسانه قدر فاصله خود را کمتر از همیشه می‌بینند، دست به اعتراض می‌زنند؛ از اسپانیا به یونان، از فرانسه به مجارستان و…! این اعتراضات گسترده سال‌های اخیر در کشورهای

اروپایی نتایج غیرقابل قبول لیبرال دموکراسی را که در تعارض با شعارهای زیننده آن است، هدف گرفته‌اند. شورش این روزهای فرانسه نیز پوزخندی است به مفهوم دموکراسی در جمهوری پنجم.

به عبارت دیگر شاید اگر حوادث گسترده اعتراضی در فرانسه را با دید صرفاً سیاسی بنگریم، تصمیم دولت فرانسه برای افزایش مالیات بنزین را عامل اصلی اعتراضات روزهای اخیر در این کشور بدانیم اما حقیقتی بسط یافته که در بطن این اعتراضات وجود دارد، ما را به دیدگاه عمیق‌تری معطوف می‌کند: «شورش علیه دموکراسی.»

این عبارت البته جدید نیست. چندسالی هست که دنیای غرب بستر اعتراض علیه نتایجی است که لیبرال دموکراسی در این کشورها به ارمان آورده است. جریان وال‌استریت جنبشی اعتراضی بود که برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم، مستقیماً حکومت لیبرال دموکراسی و نهادهای مالی و اقتصادی برآمده از آن را به واسطه خسارت‌هایش برای مردم و فقرا از جمله تمرکز ۹۹درصدی ثروت در دست اغنیا مورد انتقاد قرار می‌داد. حتی در جریان انتخابات اخیر ریاست جمهوری امریکا، معترضان امریکایی که در آن مقطع (۱۶- ۲۰) از میتینگ‌ها و کارناوال‌های انتخاباتی کاندیداهای جریان سرمایه‌داری غارتگرانه یعنی «دونالد ترامپ» و «هیلاری کلینتون» به‌حالت انزجار و تفرر رسیده بودند، هیئت حاکمه امریکا را به دردیدن دموکراسی و غارت و چپساول دارایی‌ها و این پدیده‌ای نوین در اروپای امروز است. در هر نقطه که اعتراضاتی آغاز می‌شود به زودی دیگر که به واسطه رسانه قدر فاصله خود را کمتر از همیشه می‌بینند، دست به اعتراض می‌زنند؛ از اسپانیا به یونان، از فرانسه به مجارستان و…! این اعتراضات گسترده سال‌های اخیر در کشورهای

# اندیشه

دیدگاه



زرشناس در تحلیل اعتراضات فرانسه:

### نئولیبرالیسم «هارترین» نظریه اقتصادی است

شهریار زرشناس عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در برنامه رو در رو پیرامون اتفاقات فرانسه اظهار کرد: نظام سرمایه‌داری پس از جنگ جهانی دوم موجب فقر شدید شد و تصمیم گرفت جامعه را از دو قطبی که آماده اعتراض و اعتصاب بود، خارج کند.

این عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همچنین گفت: نظام سرمایه‌داری وارد قرن بیست و یکم شد و فقر و جنگ را برای مردم در رقابت‌های لیبرالیستی به ارمان آورد.

زرشناس خاطر نشان کرد: هدف دولت‌های سوسیال دموکرات، کاهش کمی از سود سرمایه‌داران و تزریق به فقرا بود، به نحوی که مانع از انقلاب توده‌های فقیر و مرگ فقرا شوند. وی ضمن اشاره به نحوه قدرت‌گیری دیکتاتورهای معاصر بیان کرد: نظام سرمایه‌داری از پرتگاه سقوط با سوسیال دموکرات نجات یافت و اتفاقی که پس از ۱۹۷۵ رخ داد، کاهش نرخ سود سرمایه بود و دیگر دم از افزون نبود.

این استاد دانشگاه ادامه داد: بر این اساس صاحبان نظام سرمایه‌داری، نگران نزولی بودن نرخ سود سرمایه‌گذاری شدند و نئولیبرال روی آوردند و دیگر خطر انقلاب شوروی و انقلاب‌های کارگری را جدی نمی‌گرفتند. وی افزود: از دهه ۱۹۹۰ شاهد شورش‌های اجتماعی در فرانسه، مونیخ، لندن، استکهلم بودیم و این شهرها دچار آشوب شد، چراکه فاصله طبقاتی بالا رفت و مدیران نئولیبرال اشرافی‌گرا بودند و امنیت شغلی را از افراد فرودست جامعه می‌گیرند. زرشناس تأکید کرد: نظام سرمایه‌داری یک نظام پوسیده است و نسخه نئولیبرالی‌ها هرگز تریب و بدترین نسخه اقتصادی موجود است و منطق پول توجیه همه امور است. وی تصریح کرد: احساس مسئولیت اجتماعی دولت به شدت در نظام نئولیبرال کاهش می‌یابد و سیاست مدرن در دوران مکرون تحت تأثیر نئولیبرالیسم موجب شد تا مردم سیاست‌خیابانی را اجرا کنند و نئولیبرال‌ها دیگر آبرو ندارند.

این استاد دانشگاه در پاسخ به این پرسش‌ش مراد عنادی، مجری برنامه که پرسید چقدر می‌توان این جنبش را با جنبش ۹۹درصدی امریکا مقایسه کرد، گفت: هر دوی این جنبش‌ها ضدسرمایه‌داری و ضد نئولیبرالیسم هستند. زرشناس تأکید کرد: شاهد شکل‌گیری یک جنبش مردمی فاقد سرکرده هستیم و احزاب کلاسیک و سنتنی از آن می‌ترسند و این جنبش‌ها در ادبیات سیاسی، جنبش‌های پست مدرن و بی‌سر هستند. وی همچنین گفت: گاهی اعتراضات فاقد رهبر هستند و این ویژگی فقدان رهبر می‌تواند نقطه ضعف این جنبش برای ادامه و ساماندهی باشد.

زرشناس با طرح این موضوع که مردم امریکا به ترامپ رأی دادند، افزود: سرمایه‌داری در تکنها باید به سمت ناسیونالیسم یا فاشیسم مدرن برود و امروز سیاست‌ورزی خیابانی مردم شانس لوپن را در نظام سرمایه‌داری فرانسه بیشتر می‌کند. وی ترامپ را نئولیبرال دانست و گفت: فرق ترامپ و مکرون در این است که ترامپ از افول امریکا با رویکردهای موح جهانی جلوگیری می‌کند و منافع خود را پیش می‌برد. ترامپ با جنبش مردم همراه نیست و به دنبال یک شریک است تا اهداف خود را محقق کند. این پژوهشگر و استاد دانشگاه، اتحادیه اروپا را یک بنای ناپایدار معرفی کرد و یادآور شد: علت اصلی خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، مسئله اصلی حذف سرمایه‌داران است و این اتحادیه آینده مبهمی دارد. زرشناس افزود: ترامپ نماینده نئولیبرالیسم و نظام سرمایه‌داری است، اما نظام سرمایه‌داری از نفس افتاده است و فکر می‌کند نسخه نئولیبرال به موزه بیوسته و پایه‌های نظام سرمایه‌داری، متزلزل شده است. وی اقتصاد را ریشه جنبش‌ها عنوان کرد و گفت: قدرت‌های امپریالیستی با جامعه در تضاد هستند و این نظام ظالمانه در داخل هم دچار تضاد و واگرایی است.

این استاد دانشگاه اظهار کرد: باید منتظر باسیسم جنبش‌های پابرهنگان، نظام سرمایه‌داری را به زیر بکشند همانطور که امام خمینی پیش‌بینی کرده بود. زرشناس تصریح کرد: نظام سرمایه‌داری در یک چرخه باطل گیر افتاده و این تضاد منافع سرمایه‌داری و نزول سود سرمایه است که همواره با تشدید فقر و افزایش نارضایتی همراه است و جلب رضایت مردم، نتیجه‌اش کاهش سود سرمایه‌گذاری بوده است.

پیشخوان

به همت اندیشکده برهان

### کتاب «حقوق بشر

### پارادوکس تئوریک و تناقضات عملی» منتشر شد

کتاب «حقوق بشر؛ پارادوکس تئوریک و تناقضات

عملی» به بهانه فرارسیدن روز جهانی حقوق بشر، به همت اندیشکده برهان منتشر شد.

این کتاب که از مجموعه کتاب‌های اندیشنامه غرب‌شناسی و حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران اندیشکده برهان است در ۱۲۰ صفحه و در سه فصل، از سوی انتشارات دیدمان به زور طبع آراسته شده است. «مبانی اسلامی و غربی حقوق بشر»، «مبانی اتهامات علیه ایران، علل و پاسخ‌ها» و «وضعیت حقوق بشر در کشورهای دموکراتیک» عناوین فصل‌های سه‌گانه این کتاب هستند.

در بخشی از مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «در حالی که ایران همیشه مدعی بوده و هست که شهروندانش در کرامت کامل زیست می‌کنند و مطابق با موازین اصیل حقوق بشر، قواعد شهروندی را تعریف کرده است، سؤال اینجاست که علت اصلی اتهامات علیه ایران در محافل حقوق بشری (از جمله کمیسیون و خلعش شورای حقوق بشر) چیست؟

از زمان تأسیس نظام جمهوری اسلامی تا کنون، به خصوص از زمانی که در دهه ۷۰، ثبات در کشور ایجاد شد، به طور مداوم مسئله حقوق بشر موضوعی بوده که انگشت اتهامات غرب را به سمت ایران روانه داشته است. مسئله حقوق بشر قبل از مسئله هسته‌ای، مسئله حمایت از توریسم بین‌المللی و… به‌عنوان یکی از موارد اساسی اتهام به جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شده است.

امروزه هنگامی که حکومت‌ها، فعالان یا اسناد ملل متحد به «حقوق بشر» اشاره می‌کنند، تقریباً به طور قطع، مدنظرشان حقوق بشری است که در قوانین ملی و حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است و نه حقوق به معنای فلسفی و اخلاقی آن. تغییر در تقریر محل نزاع از مبنای فلسفی به مبنای عملیاتی، همان موضوعی است که اجازه‌ی فلسفیدن و اندیشیدن را از مکاتب دیگر در باب حقوق بشر گرفته و می‌گیرد. هدف اصلی از پژوهش‌های بومی در مورد حقوق بشر باید روشن کردن تفاوت فلسفی که نظام عقیدتی غرب و اسلام در باب حقوق بشر داشته و دارند نیز باشد؛ یعنی همان چیزی که حکومت‌ها، فعالان یا اسناد ملل متحد به آن توجه نکرده‌اند.»
علاقه‌مندان می‌توانند جهت دریافت کتاب با تحقیف ویژه یا کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲۶۱۵۲۲۹۲-۰۲۱ تماس حاصل کنند.